

بنگاه‌های کار دولت نیست، وزارت انرژی می‌خواهیم

پدرام سلطانی - نایب رئیس اتاق بازرگانی ایران

از حمایت هیئت مدیره و دبیر کل محترم اتحادیه، بابت تمام تلاش‌هایی که از سال گذشته تا امسال با پایداری در حل و پیگیری مسائل و مشکلات اعضای این حوزه مهم و محوری صادرات و تولید در کشور داشته‌اند، تشکر و قدردانی می‌کنم. من از آقای رفیعی فر سوال می‌کردم که در این سیزده همایشی که برگزار کردیم آیا توانسته‌ایم مقامی

بالتر از معاون وزیر را در همایش داشته باشیم؟ که ایشان فرمودند یک بار جناب آقای حبیبی، وزیر وقت اقتصاد در دولت دهم، به این جا تشریف آورده‌اند، امروز که من به عنوان سخنران در خدمت شما هستم، شاید هیچ کدام از مسئولین دولتی در جلسه نیستند در حالی که مخاطبین بسیاری از نکاتی که من باید در این جا عنوان کنم، آن‌ها هستند. شاید باعث گله‌مندی و تلف است که در گردهمایی سالانه بخشی که به سهولت آماری که

آقای دکتر هندبیلی نشان دادند، ۲۳ درصد صادرات کشور را در کارنامه خود و در مجموعه اعضای اتحادیه‌اش دارد، یک مقام ارشد دولت در آن حضور پیدا نمی‌کند، من فکر می‌کنم در کشورهای دیگر برای ۲۳ درصد صادرات، حتی رئیس جمهور هم در گردهمایی‌ها حضور پیدا می‌کند و مسائل و مشکلات صادرکنندگان را گوش می‌کند. این نشانه‌ای است از مجموع نشانه‌های عدیده از کم‌توجهی و کم‌لطفی و کم‌پابری بخش دولتی نسبت به بخش خصوصی؛ و فاصله و شکاف بین گفته‌ها و عملکرد دهه‌گفته‌هایی از حمایت از بخش خصوصی و اهمیت این بخش و حمایت از صادرات. این همایش ۱۳ سال است که در حال برگزاری است و در اکثر این همایش‌ها من هم حضور داشتم، مسائل و مشکلات ممتد در تکرار و تکرار است و به نتیجه‌ی مطلوب نمی‌رسیم. من دوست داشتم آقای دکتر هندبیلی (معاون ستاد مرکزی مبارزه با قاچاق) در این جا تشریف می‌داشتند، موقعی که داشتند می‌رفتند به ایشان عرض کردم که شما نسبت به اتحادیه و اعضای آن، کم‌لطفی کردید. من به عنوان یک نماینده بخش خصوصی علاقه‌مند بودم که در اصلاح قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز، طول عمر مبارزه با قاچاق کالا و ارز در این قانون نوشته شود، طول عمر مشخص و محدود و مأمورینی مشخص که ظرف ۳ تا ۵ سال به نتیجه برسند و بعد منحل شود.

تألمانی که ما در کشور چنین دستگاه‌هایی مانند سازمان مبارزه با قاچاق و سازمان حمایت از مصرف‌کننده و تولیدکننده و ستاد تعزیرات حکومتی، را داریم، تولید در این کشور پانمی‌گیرد. من امروز در سیزدهمین همایش اتحادیه، جمع را تنگ تر می‌بینم. یادم هست در سال‌های نخست صندلی‌های پایین بر می‌شدند و بالا هم دوستان می‌نشستند، الان تقریباً نصف صندلی‌های این سالن پر است. عده‌ای از ما خسته هستیم، عده‌ای دل گیر هستند، عده‌ای کارشان را تعطیل کرده‌اند و عده‌ای دیگر انگیزه لازم را برای این که موضوعات را دنبال کنند ندارند. همه این موضوعات به این بر می‌گردد که نظام تصمیم‌گیری در کشور، نظامی درست و مبتنی بر توسعه نیست. همه به این اذعان می‌کنند که مادر شرایط کنونی دچار تحریم‌های بی‌سابقه‌ای هستیم؛ تحریم‌هایی که حتی بسیار سخت‌تر از تحریم‌های دوره قبل است. اما آن چه که به من به عنوان خدمتگذار اتاق، خدمت شما عرض می‌کنم، و آن چه که شما با گوشت و پوست و جون خود لمس می‌کنید این است که چیزی که بیشتر از هر چیز به توسعه تولید لطمه می‌زند، تصمیم‌گیری‌های خلق الساعه است. فرایند تصمیم‌گیری ما، مبتنی بر ساز و کار اقتضای مدیریت بحران نیست. روش تصمیم‌گیری در کشور حتی برای شرایط عادی تعریف نشده است. کسی که در پی راه‌اندازی یک بنگاه است، کسی که می‌خواهد در حوزه مدیریت تحقیق و تحصيل کند، یکی از مهارت‌هایی که فرامی‌گیرد، مهارت حل مسئله است. من شنیده‌ام که مسئولان در سطوح مختلف دولتی، ما، مهارت حل مسئله را حتی برای شرایط عادی اموحته باشند. زمانی که شما وارد بحران می‌شوید، باید هنرمندی حل مسئله داشته باشید.



در کشورهای دیگر برای ۲۳ درصد صادرات، حتی رئیس جمهور هم در گردهمایی‌ها حضور پیدا می‌کند و مسائل و مشکلات صادرکنندگان را گوش می‌کند. این نشانه‌ای است از مجموع نشانه‌های عدیده از کم‌توجهی و کم‌لطفی و کم‌پابری بخش دولتی نسبت به بخش خصوصی

این که به آن‌ها عرض کنیم که برای تصمیم‌گیری، تبعات تصمیمات را در نظر بگیرید، وقتی باید تصمیمی گرفته شود، سازمان‌ها کنار هم بنشینند و آثار هر تصمیمی که قرار است گرفته شود را در ابعاد و در بخش‌های مختلف سازمان‌هایی که گرد هم آمده‌اند، با هم تحلیل بکنند.

۵ تبعات سخت‌گیری در ثبت سفارش

یک مثال ساده در حوزه واردات، تصمیمی که دولت در پی مضایق ارزی و اتفاقاتی که افتاد، گرفت این بود که ثبت سفارش‌ها را با سخت‌گیری بیش‌تری انجام دهد، اولین آثار این سخت‌گیری بیش‌تر، به وجود آمدن عدم شفافیت در تخصیص ارز بود، که الان می‌بینید که عده‌ای را هم به عنوان متخلف و شاید به علت ناآگاه بودن از این سیاست‌ها، در راهروهای دادگاه می‌برد و می‌آورد، یعنی جریان گرفتار شدن واردکنندگان از این جا آغاز شد. اتفاق دیگری که افتاده است این است که مواد اولیه کالاهای وارداتی در گمرک دپو شده است و به جهت سختی‌های ثبت سفارش و تخصیص ارز، در آن جا رسوب بالایی کانتینر ایجاد شده است که البته بخشی از آن کم شده است. از طریق سازمان پناذر تصمیم می‌گیرد که زمانی متروکه کردن کالا را کاهش دهد، که معنایش این است که ثبت سفارش نمی‌تواند صورت بگیرد، ارز نمی‌تواند گرفته شود و کالا هم متروکه می‌شود. این، همان چرخه معیوب تصمیم‌گیری، و جزیره‌ای تصمیم‌گرفتن است و همین است که صادرکننده، واردکننده و تولیدکننده از فعالیت کردن در چنین شرایطی عاجز می‌شود. این‌ها جزو ایرادات اساسی است که متأسفانه توجه لازم در خصوص این موارد در کشور صورت نمی‌گیرد.

۵ حیف و میل اموال عمومی

می‌خواهم آماری را از اهمیت بخش خصوصی نشان بدهم: این آمار را به نقل از بنده به هر مسئول محترمی که رسیدید عنوان کنید. این‌ها آمار داغی است که در ۲-۳ هفته اخیر در لایحه بودجه منتشر شده است. مجموع بودجه عمومی کشور ۴۷۰ هزار میلیارد تومان است. بودجه شرکت‌های دولتی قریب به ۱ میلیون و ۲۷۰ هزار میلیارد تومان هست یعنی سه برابر بودجه عمومی دولت. مجموعه‌ی دولت بزرگ و این شرکت‌های دولتی بابت این ۱ میلیون و ۲۷۰ هزار میلیارد تومان که در سال دارند، چقدر مالیات

می‌دهند؟ ۱۲ هزار میلیارد تومان، یعنی کم‌تر از یک درصد گردش مالی این شرکت‌ها. فرض کنیم بخش عمومی غیردولتی هم همین عدد را بدهد، که مجموعه‌ای شود ۲۴ هزار میلیارد تومان، یا اگر دست‌یالا بگیریم ۳۰ هزار میلیارد تومان. مالیات حقوق و مالیات متفرقه نقل و انتقال و ارث و... حدود ۱۵ هزار میلیارد تومان است. مجموع این‌ها می‌شود ۴۵ هزار میلیارد تومان، معنای این ارقام این است که انواع و اقسام بخش خصوصی، تولیدکننده، صادرکننده و صنفی و... بیش از ۱۱۰ هزار میلیارد تومان از منابع دولت را تامین می‌کند. بهره‌وری بنگاه‌داری دولتی زیر ۱٪ است. معنای این ارقام این است که اگر در نظر بگیریم آن ۸٪، ۰.۲۵٪ سود این بنگاه‌ها است، سود بنگاه‌داری دولتی، در سال ۳.۲٪ است. آیا این، حیف و میل اموال عمومی نیست؟ این جاست که دولت باید به اهمیت و ارزش بخش خصوصی توجه بکند، در عین حال اندازه بخش خصوصی در اقتصاد کشور، ۵۰٪ است که البته می‌گفتند ۸۰٪ است اما ما محاسبه کرده‌ایم و به همین ۵۰٪ رسیدیم. ۵۰٪ مربوط به بخش دولتی، تقریباً ۸٪ مالیات کشور، و اگر با بخش عمومی غیردولتی در نظر بگیریم ۱۶-۲۰٪



مالیات کشور را پرداخت می کنند اگر مالیات متفرقه را کنار بگذاریم بخش خصوصی ۸۰٪ ۷۰ مالیات کشور را پرداخت می کنند اگر مسئولین دولت ما به این مسئله توجه می کردند مدیریت تمام این دستگاهها راه البته نه به صورت جریان خصوصی سازی که در این چند سال وجود داشته است، واگذار می کردند، که دولت به کار خودش برسد و اقتصاد هم به این ترتیب بتواند بچرخد.

بسته حمایتی

من می خواستم از آقای دکتر بورا بپرسیم هم تشکری داشته باشم برای همکاری در بسته ای که مادر اتاق، یا کمک تشکلی ها طراحی کردیم، و اگر این اتفاق بتواند در اقتصاد کشور بیفتد، ظرفیت صادرات محصولات پایین دستی نفت و گاز و پتروشیمی و همین طور صنایع فلزی ما می تواند تا ۳ برابر افزایش پیدا کند. ۱ میلیون اشتغال در این بسته می تواند به وجود بیاید. این ها چالش های اقتصاد کشور ما هستند و باید به آن ها توجه شود. علی رغم مساعدت هایی که اعلام شد ما کار بسیار سختی داریم برای این که بتوانیم یک سازوکار و نظام منطقی را برای رقابت پذیر کردن صنایع پایین دستی، در قالب کاری که انجام شده است، جایبنداریم؛ و دلیل آن هم تضاد منافع است که در خود دولت وجود دارد یعنی به طور مثال وزارت نفت با وزارت اقتصاد، تضاد منافع دارد. یا معاونت های مختلف وزارت صنایع با یکدیگر تضاد منافع دارند. ای کاش امروز بعد از گذشت ۶ سال از دولت آقای روحانی، وزیر ارجمند و بتوان و لایق نفت، جناب آقای زنگنه، این جا تشریف می داشتند که خدمتشان عرض کنم که متأسفانه حکمرانی نفت و گاز در کشور ما، حکمرانی اشتباهی است. این که دولت در قالب وزارت نفت، بنگاهداری می کند و وزیر لایق نفت، زمانی اعلام می کرد که برای ما توجیهی ندارد که پالایشگاه تاسیس کنیم، به نفعمان است که نفت را بفروشیم، یا بر ایمل توجیهی ندارد که پتروشیمی تاسیس کنیم چون گاز را داریم گران تر به ترکیه می فروشیم. این جاست که تضاد منافع خودش را نشان می دهد. چگونه است که کشور های دیگر، پالایشگاه و پتروشیمی تاسیس می کنند و صنایع پایین دستی را تقویت می کنند. مگر سود فقط تفاضل جبری قیمت تمام شده، یا فروش است؟ اشتغال و توسعه بخش خصوصی و فناوری هم سود است. سود فقط این است که دولت جیب خود را با پول نفت پر کند و بعد اگر به دام تحریم بیفتیم چنین شود که اگر درآمدهای نفتی ما قدری کم شود، نرخ ارز سه برابر شود؟

راه سخت پیش روی خصوصی ها

دوستان عزیز من، راه بسیار سختی پیش پای بخش خصوصی برای توسعه وجود دارد. هنوز باور عمیق به توسعه بخش خصوصی در کشور به وجود نیامده است. صحبت هایی که آقای دکتر هندپانی کردند با کلماتی کاملاً مودبانه اما مملو از تهدید بخش خصوصی بود. اگر اقتصاد کشور معیوب است و مارات را در نرخ فرآورده بهادینه کرده ایم، مقصر آن بخش خصوصی نیست. کدام کشور در دنیا چنین ملاحظات سخت و سختی در صادرات، برای کنترل قاچاق دارد که ما داریم؟ فرمودند که من روزی ۸۰ تا ۱۰۰ نامه امضای کنم؛ این مسئله مشکل تمام مدیران دولتی ماست. ماشین اسفالت پس این کشور را چه کسی اداره می کند؟ فرمودند که رئیس ستاد مبارزه با قاچاق کالا، به جهت جلسه با چند استاندار و چند نماینده، در همایش حضور ندارند. آیا نظام اداره کشور باید این گونه باشد که هر روز چند استقنار و چند نماینده در خصوص قاچاق به رئیس ستاد مراجعه کنند؟ مسئولین رحمت کش دولتی ما، صبح ناشی در جلسه هستند با جلسه نمی شود کشور را اداره کرد. باید فکر ازاد داشته باشید که در سطح ارشد بتوانید تصمیم بگیرید باید هر جلسه ای که در آن می نشینید برای شما، انلق فکر باشد، نه جابه جویی برای حل مشکلات کوچک عملیاتی. این حرف ها را باید امروز، عریان تر از همیشه با دولت بزنیم. امروز و در شرایط تحریم، دولت و تمام دستگاه ها باید گوششان را باز کنند؛ اگر از این فرصت استفاده نکنید که راه برای بخش خصوصی باز کنید، در هیچ زمانی



متأسفانه حکمرانی نفت و گاز در کشور ما، حکمرانی اشتباهی است. این که دولت در قالب وزارت نفت، بنگاهداری می کند و وزیر لایق نفت، زمانی اعلام می کرد که برای ما توجیهی ندارد که پالایشگاه تاسیس کنیم، به نفعمان است که نفت را بفروشیم، یا بر ایمل توجیهی ندارد که پتروشیمی تاسیس کنیم چون گاز را داریم گران تر به ترکیه می فروشیم

دیگری این اتفاق نمی افتد. کلام آخر این است که ما در این اصلاحات، وزارت نفت نمی خواهیم. یک وزارت انرژی می خواهیم و دستگاه های مثل شرکت ملی نفت و شرکت ملی گاز و امثال آن ها باید از آن وزارت منفک شوند. بنگاه داری کار دولت نیست. مادامی که نفت قرار است یک موضوع حاکمیتی بماند که من اعتقاد دارم خود این از عوامل عدم توسعه اقتصاد ماست، اما تا آن زمان شرکت ملی نفت هم یک بنگاه است و شرکت بخش خصوصی هم یک بنگاه است. هر وقت وزارت انرژی توانست مستقل از موضوع درآمد و مستقل از نگاه به خرید و فروش نفت و گاز، برای انرژی این کشور تصمیم بگیرد آن روز ما می توانیم امیدوار باشیم که سرریز توسعه قرار گرفتاریم.